

آموزش با سریال how I met your mother

جلسه دوم - مدرس: علیرضا صادقیان



You're **getting engaged** tonight.

امشب شب نامزدیته.

To get engaged

نامزد کردن

زمان این جمله حال استمراری هست. یکی از کاربردهای حال استمراری صحبت در مورد اتفاقاتی هست که به طور برنامه ریزی شده در آینده اتفاق میفته و اینجا چون نامزدیه مارشال قراره امشب باشه پس از حال استمراری استفاده کرده. یک مثال دیگه:

Debbie and Christa have just **got engaged**.

دبی و کریستا به تازگی باهم نامزد کرده اند. (ساختار حال کامل / present perfect)



What are you **doin'** tonight?

تو امشب قراره چیکار کنی؟

اگه دقت کنید اینجا عبارت **doing** به صورت **"doin"** نوشته چرا که در تلفظ عامیانه صدای "گ" در این کلمه تلفظ نمیشه و اینطور شنیده میشه: "دوبین"

What are you **دوبین** tonight?

What was I **doing**?

من داشتم چیکار میکردم. زمان جمله گذشته استمراریه. وقتی میخوایم در مورد کاری که در گذشته در حال انجام بوده صحبت کنیم از ساختار گذشته استمراری استفاده میکنیم.

زمان گذشته استمراری در زبان انگلیسی با نام **"Past Continuous"** یا **"Progressive Past"** شناخته می شود و برای بیان آنچه در بازه ای مشخص از زمان گذشته در حال اتفاق افتادن است بکار برده می شود. ساختار این زمان متشکل از حالت گذشته فعل کمکی **"be"** بعلاوه **"ing form"** افعال اصلی است. در واقع شکل نهایی جملات در زمان گذشته استمراری به این صورت است:

Subject + was/were + ing form of a main verb

I was working.

She **was reading** a book.

دو کاربرد مهم دیگر زمان گذشته استمراری:

قبل یا بعد از عمل یا رویدادی که به پایان رسیده است:

We **were busy working** on our assignment when our parents came home.

وقتی پدر و مادرم به خانه برگشتند من داشتم سخت بر روی تکالیفم کار می‌کردم.

I **was watching** the lovely sunset as a flock of birds soared by.

داشتم غروب دل‌انگیز خورشید را تماشا می‌کردم که دسته‌ای از پرندگان در مقابل چشمانم به پرواز درآمدند.

برای بیان تداخل رویدادها و افعال همزمان:

He **was having** the most wonderful time on the beach when the weather suddenly turned awful.

داشت از بی‌نظیرترین اوقات خود در ساحل لذت می‌برد که ناگهان آب و هوا افتضاح شد.

As they **were leaving**, the phone rang.

درست در زمانی که داشتند می‌رفتند، تلفن به صدا درآمد.

در جملات بالا مشخص است که کاری در حال انجام بوده که یک کار دیگر آن را قطع کرده.





Here uncle Marshall **was taking the biggest step of his life**

اینجا عمو مارشال داشت بزرگترین قدم زندگیش رو برمیداشت

Take a step

اقدام کردن، قدم برداشتن

Take the biggest step

بزرگترین قدم زندگی را برداشتن

مترادف ها

Take action

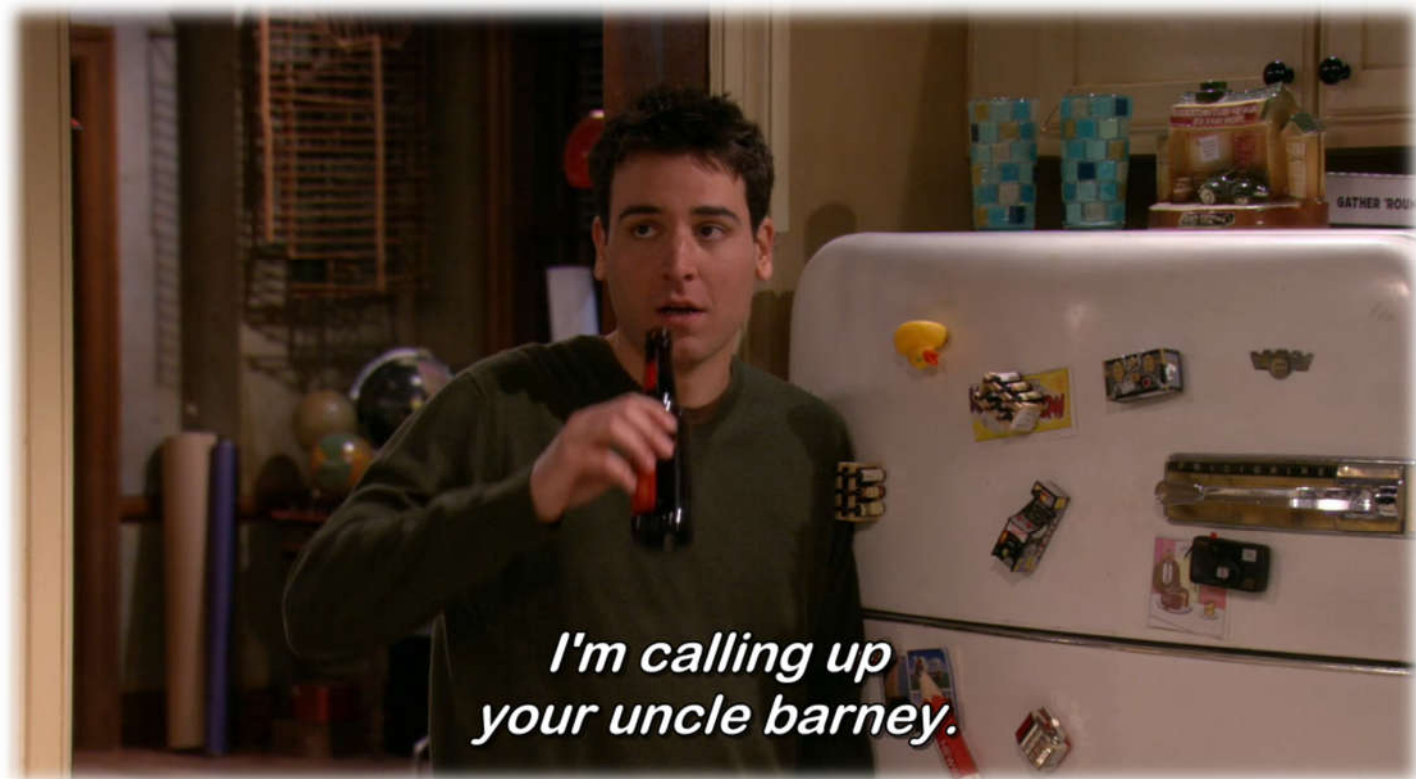
Act

Take measures

Do something

The authorities **have taken steps** to prevent any reoccurrence of the problem.

مسئولین اقداماتی را به منظور جلوگیری از تکرار این مشکل انجام داده اند



*I'm calling up
your uncle barney.*

I'm **calling up** your uncle Barney

من دارم به عمو بارنی زنگ میزنم

عبارت call up یک فرزال ورب پرکاربرد در انگلیسی آمریکایی هست که در موقعیت های غیررسمی استفاده میشه. دو معنی میتونه داشته باشه:

- ۱- فراخواندن کسی برای خدمت سربازی (موقعیت رسمی)
- ۲- زنگ زدن به کسی با تلفن یا موبایل (موقعیت غیررسمی)

They have **called up** more than ۲۰,۰۰۰ reservists

آنها بیش از ۲۰۰۰۰ سرباز ذخیره را فرا خوانده اند.

I have a list of people to **call up** in the morning

لیستی از افراد دارم که امروز صبح بهشون زنگ بزنم.



Hey, so you know
how I've always had a thing

So you know how I've always **had a thing for** half-Asian girls?

میدونی من همیشه چقدر به دخترهای نیمه آسیایی علاقه داشته ام؟

اصطلاح have a thing for someone یعنی به کسی شدیداً علاقه داشتن!

I hear that Samantha **has a thing for** John.

شنیدم که سامانتا به جان علاقه داره

میتونیم برای غیرانسان هم به کار ببریم.

John **has a thing for antique books**. He's always on the lookout for new ones to add to his collection.

جان عاشق کتاب های قدیمیه. همیشه دنبال کتاب های جدید میگردد که به کلکسیونش اضافه کنه.



Well, now I've got
a new favorite... lebanese girls.

Well, now **I've got** a new favorite... Lebanese girls

خب حالا یه علاقه جدید دارم. دخترهای لبنانی

اینجا از فعل have got استفاده کرده که معنی have میدهد.

I've got a new car = I have a new car

هر دو جمله معنی یکسانی داره.



Lebanese girls
are the new half-asians.



Hey you want to do something tonight?

اصطلاحاً معنی‌ش همیشه امشب چکاره‌ای؟ چه برنامه‌ای داری؟ یا برنامه‌ای داری؟

Ok. Meet me at the bar in 15 minutes and suit up

اوکی ۱۵ دقیقه دیگه تو بار میبینمت. لباس مناسب بپوش (منظورش لباس رسمیه)

***SUIT UP* (phrasal verb):** put on special clothes for particular activity.

لباس مناسب پوشیدن برای یک مراسم